

رهایی از ترس

عبرانیان ۱۱: ۶

اما خشنود ساختن خدا بدون ایمان و توکل به او محال است. هر که می‌خواهد به سوی خدا بیاید باید ایمان داشته باشد که خدا هست و به آنانی که با دلی پاک در جستجوی او هستند، پاداش می‌دهد.

ترس، نقطه مقابل ایمان است. شما نمی‌توانید به طور همزمان، هر دوی آنها را داشته باشید. این دو نمی‌توانند بطور همزمان در یک مکان وجود داشته باشند.

ترس، یکی از سلاحهای شیطان بر علیه فرزندان خداست. ولی از طریق کلام، خدا شما می‌توانید از ترس رهایی یابید. معادل لغت یونانی ترس، Phobes است کلمه واهمه نیز از همین لغت برگرفته شده است.

ترس، واهمه ای است که اگر درباره آن فکر کنید، بزرگ و بزرگتر می‌شود. این لغت همچنین دارای معانی، فرار، لرزیدن و وحشت نیز می‌باشد.

اجازه بدهید فردی را که با ترس پر شده است مورد بررسی و مطالعه قرار دهیم. ترس در زندگی این مرد چنان رخنه کرده بود که او را کاملاً فلج و از کار افتاده کرده بود. همچنین این ترس روی افکار، گفتار، زندگی روزمره و آینده او اثر گذاشته بود. نام این مرد جدعون بود.

داوران ۶: ۱-۵

^۱ بار دیگر قوم اسرائیل نسبت به خداوند گناه ورزیدند و خداوند نیز آنها را مدت هفت سال به دست قوم مدیان گرفتار نمود.

^۲ مدیانی‌ها چنان بیرحم بودند که اسرائیلیها از ترس آنها به کوهستانها می‌گریختند و به غارها پناه می‌بردند.

^۳ و وقتی اسرائیلیها بذر خود را می‌کاشتند مدیانی‌ها و عمالیقی‌ها و قبایل همسایه هجوم می‌آوردند و محصولات آنها را تا شهر غزه نابود و پایمال می‌نمودند. آنها گوسفندان و گاوان و الاغهای ایشان را غارت می‌کردند و آذوقه‌ای برای آنها باقی نمی‌گذاشتند.

^۴ دشمنان مهاجم با گله‌های، خیمه‌ها و شترانشان آنقدر زیاد بودند که نمی‌شد آنها را شمرد. آنها مانند مور و ملخ هجوم می‌آوردند و تمام مزارع را از بین می‌بردند.

ما مشاهده می‌کنیم که بخاطر نافرمانی، برکت و رحمت خدا، شامل حال این سرزمین نبود. همین امر باعث شده بود که دشمن بتواند برای قوم اسرائیل زندگی را اینگونه سخت و طاقت فرسا نماید. مردم در ترس و وحشت عظیمی زندگی می‌کردند.

ولی وقتی مردم بخاطر گناهانشان، از خدا طلب آمرزش کرده و به او روی می‌آوردند، خداوند به دعاهای آنها پاسخ می‌داد و آنها را مستجاب کرد.

داوران ۱۱:۶-۱۶

^{۱۱} روزی فرشته خداوند آمده، زیر درخت بلوطی که در عفره در مزرعه یوآش بود نشست. جدعون پسر یوآش مخفیانه و دور از چشم مدیانی‌ها در چرخشت انگور با دست گندم می‌کوبید.

^{۱۲} که فرشته خداوند بر او ظاهر شده و گفت: «ای مرد شجاع، خداوند با توست!»

^{۱۳} جدعون جواب داد: «ای سرورم، اگر خداوند با ماست چرا اینهمه بر ما ظلم می‌شود؟ پس آنهمه معجزاتی که اجدادمان برای ما تعریف می‌کردند کجاست؟ مگر خداوند اجداد ما را از مصر بیرون نیاورد؟ پس چرا حالا ما را ترک نموده و در چنگ مدیانی‌ها رها ساخته است؟»

^{۱۴} آنگاه خداوند رو به وی نموده گفت: «با همین قدرتی که داری برو و اسرائیلی‌ها را از دست مدیانی‌ها نجات ده. من هستم که تو را می‌فرستم!»

^{۱۵} اما جدعون در جواب گفت: «ای خداوند، من چطور می‌توانم اسرائیل را نجات دهم؟ در بین تمام خاندانهای قبیله منسی، خاندان من از همه حقیرتر است و من هم کوچکترین فرزند پدرم هستم.»

^{۱۶} خداوند به او گفت: «ولی بدان که من با تو خواهم بود و مدیانی‌ها را به آسانی شکست خواهی

داد!».

جدعون آنقدر می‌ترسید که مخفیانه و دور از چشم مدیانی‌ها در چرخشت انگور، با دست گندم می‌کوبید.

ولی ناگهان فرشته خداوند بر او ظاهر شد و گفت: «ای مرد شجاع، خداوند با توست!» این موضوع، عجیب به نظر می‌رسد. چرا فرشته این جمله را بیان کرد؟

پاسخ جدعون به فرشته، نشان می‌دهد که او مرد شجاعی نیست.

ولی فرشته به تصویر منفی که جدعون از خود نشان می‌دهد گوش نمی‌کند.

در عوض می‌گوید: «با همین قدرتی که داری برو و اسرائیلی‌ها را از دست مدیانی‌ها نجات بده. من هستم که تو را می‌فرستم!»

جدعون باز هم تصویر منفی از خود نشان داده و علائم ترس را آشکارا بروز میدهد.

برای سومین بار فرشته به آنچه که جدعون می‌گوید، گوش نمی‌کند. فرشته خداوند، به

جدعون وعده شگفت آوری می‌دهد.

«ولی بدان که من با تو خواهم بود و مدیانی‌ها را به آسانی شکست خواهی داد!»

«ولی بدان که من با تو خواهم بود» این یک کلام بسیار محکم است.

این بدان معناست که خداوند بجای جدعون و اسرائیل، مبارزه خواهد کرد. در رومیان

۳۱:۸ می‌فرماید: «اگر خدا با ماست چه کسی می‌تواند بر ضد ما باشد؟»

ولی علیرغم اینکه همه می‌دانستند که جدعون انسان ترسوئی است و خود او هم

تصویر ذهنی بدی از خودش داشت، فرشته خدا، این جملات را به او می‌گفت؟

چون تنها چیزی که فرشته خدا به آن توجه داشت این بود که جدعون صددرصد،

وعده خدا را پذیرفته، به آن ایمان داشت. ضعف و نقص‌های ما در نظر خداوند، مشکل به

شمار نمی‌آید.

وقتی خداوند مرد یا زنی را که می‌تواند به او خدمت کند، نیاز دارد تا از طریق او کاری را انجام دهد، به دنبال افرادی که قوی و بزرگ هستند نمی‌رود. او کسانی را می‌یابد که به او ایمان دارند و می‌خواهند طبق کلام خدا پیش رفته و از او فرمانبرداری کنند. او تنها به نیت انسانها توجه می‌کند و از همین طریق نیز در او وارد می‌شود و کاری را انجام می‌دهد. بنابراین وقتی فرشته خداوند بر جدعون ظاهر شد، او را مرد شجاع خطاب کرد. بیایید ادامه داستان را بشنویم تا ببینیم چه اتفاقی برای جدعون افتاد.

داوران ۱:۷-۲۲

^۱ جدعون با سپاهش صبح زود حرکت کرد و تا چشمه حرود پیش رفت و در آنجا اردو زد. مدیانی‌ها نیز در سمت شمالی آن در دره‌ی کوه مورده اردو زده بودند.

^۲ خداوند به جدعون فرمود: « عده شما زیاد است! نمی‌خواهم همه این افراد با مدیانی‌ها بجنگند، مبادا قوم اسرائیل مغرور شده بگویند: این ما بودیم که دشمن را شکست دادیم!

^۳ پس به افراد خود بگو: هر که می‌ترسد به خانه اش باز گردد. » بنابراین بیست و دو هزار نفر برگشتند، و فقط ده هزار نفر ماندند تا بجنگند.

^۴ اما خداوند به جدعون فرمود: « هنوز هم عده زیاد است! آنها را نزد چشمه بیاور تا به تو نشان دهم که چه کسانی باید با تو بیایند و چه کسانی باید برگردند. »

^۵ و ^۶ پس جدعون آنها را به کنار چشمه برد. در آنجا خداوند به او گفت: « آنها را از نحوه‌ی خوردنشان به دو گروه تقسیم کن. افرادی را که با کف دست، آب را جلو دهان خود آوردند و آن را مثل سگ می‌نوشند از کسانی که زانو می‌زنند و دهان خود را در آب می‌گذارند، جدا ساز. » تعداد افرادی که با دست آب نوشیدند سیصد نفر بود.

^۷ آنگاه خداوند به جدعون فرمود: « من بوسیله‌ی این سیصد نفر، مدیانی‌ها را شکست خواهم داد و شما را از دستشان خواهم رهانید. پس بقیه را به خانه‌هایشان بفرست.

^۸ و ^۹ جدعون کوزه‌ها شیپورهای آنها را جمع آوری کرد و ایشان را به خانه‌هایشان فرستاد و تنها سیصد نفر برگزیده را پیش خود نگهداشت. شب هنگام در حالی که مدیانی‌ها در دره پایین اردو زده بودند، خداوند به جدعون فرمود: « برخیز و به اردوی دشمن حمله کن زیرا آنها را به دست تو تسلیم کرده‌ام.»

^{۱۰} اما اگر می‌ترسی اول با نوکر خود فوره مخفیانه به اردوگاه آنها برو. ^{۱۱} در آنجا به سخنانی که ایشان می‌گویند گوش بده. وقتی سخنان آنها را بشنوی جرأت یافته به ایشان حمله خواهی کرد پس جدعون فوره را با خود برداشت و مخفیانه به اردوگاه دشمن نزدیک شد.

^{۱۲} و ^{۱۳} مدیانی‌ها، عمالیقی‌ها و سایر قبایل همسایه مانند مور و ملخ در وادی جمع شده بودند. شترهایشان مثل ریگ بیابان بی شمار بود. جدعون به کنار چادری خزید. در این موقع در داخل آن چادر مردی بیدار شده، و خوابی را که دیده بود برای رفیقش چنین تعریف کرد: « در خواب دیدم که یک قرص نان جوین به میان اردوی ما غلطید و چنان به خیمه‌ای برخورد نمود که آن را واژگون کرده، بر زمین پهن نمود.»

^{۱۴} رفیق او گفت: « تعبیر خواب تو این است که خدا ما را به دست جدعون پسر یوآش اسرائیلی تسلیم می‌کند و جدعون همه مدیانی‌ها و نیروهای متحدش را از دم شمشیر خواهد گذراند.»

^{۱۵} جدعون چون این خواب و تعبیرش را شنید خدا را شکر کرد. سپس به اردوگاه خود بازگشت و فریاد زد: « برخیزید زیرا خداوند سپاه مدیان را به دست شما تسلیم می‌کند! ».

^{۱۶} جدعون آن سیصد نفر را به سه دسته تقسیم کرد و به هر یک از افراد یک شیپور و یک کوزه سفالی که مشعلی در آن قرار داشت داد،

^{۱۷} بعد نقشه خود را چنین شرح داد: « وقتی به کنار اردو رسیدیم به من نگاه کنید و هر کاری که من می‌کنم شما نیز بکنید.

^{۱۸} به محض اینکه من و همراهانم شیپورها را بنوازیم، شما هم در اطراف اردو شیپورهای خود را بنوازید و با صدای بلند فریاد بزنید: ما برای خداوند و جدعون می جنگیم!»

^{۱۹} نصف شب، بعد از تعویض نگهبانان، جدعون به همراه صد نفر به کنار اردوی مدیان رسید. ناگهان، آنها شیپورها را نواختند و کوزه‌ها را شکستند. در همین وقت دویست نفر دیگر نیز چنین کردند. در حالی که شیپورها را به دست راست گرفته، می نواختند و مشعل‌های فروزان را در دست چپ داشتند، همه فریاد زدند: «ما برای خداوند و جدعون می جنگیم!»

^{۲۱} سپس هر یک در جای خود در اطراف اردوگاه ایستادند در حالیکه افراد دشمن فریاد کنان می‌گریختند.

اینکه ۳۲۰۰۰ نفر در خدمت جدعون بودند، خود یک معجزه به شمار می‌آمد. او که یک انسان ترسو بود، اکنون بعنوان رهبری شجاع آنها را فرماندهی می‌کرد.

ولی خدا به این تعداد سرباز نیازی نداشت. چون بعداً آنها فکر می‌کردند که بخاطر شجاعت و تعداد زیادشان بود که توانستند پیروز شوند.

خدا می خواهد همگان درک کنند که نه با قدرت و نه با شجاعت بلکه با ایمان به کلام خدا می توان هر کاری را انجام داد.

خداوند با به جان هم انداختن افراد دشمن، پیروزی را نصیب جدعون کرد.

جدعون کلام خدا که می‌گفت: «بدان که من با تو هستم و مدیانی‌ها را به آسانی

شکست خواهی داد» را تجربه کرد.

○ چرا خدا تو را از این موهبت بهره‌مند می‌سازد؟

چون تو نباید از چیزی بترسی.

خدا به روشهای مختلف به ما کمک می‌کند و با ماست.

کتاب مقدسی که در رومیان ۸: ۳۱ می‌خوانیم، امروز برای شما محقق گردیده است.

اگر خدا با ماست چه کسی می‌تواند به ضد ما باشد. زیرا در شما کسی زندگی می‌کند که از هر دشمن مسیح در این دنیای گناه آلود قوی‌تر است.

اول یوحنا ۴: ۴

فرزندان عزیزم، شما از آن خدا هستید و بر مخالفین مسیح غلبه یافته‌اید، زیرا در وجود شما کسی زندگی می‌کند که از هر دشمن مسیح در این دنیای گناه‌آلود، قوی‌تر است. آیات بسیاری در انجیل وجود دارد که در آنها گفته شده: « نترسید، چون من با شما هستم»

اگر ما به کلام خدا اطمینان کنیم، می‌توانیم آن را دریافت کرده و بدون هیچ ترسی به حرکت خود ادامه بدهیم.

۵ حقایقی که به شما کمک می‌کند تا بدون هیچ ترسی، به زندگی‌تان ادامه بدهید:

۱. چشم دوختن به عیسی مسیح

عبرانیان ۱۲: ۱-۲

^۱ پس حال که در این میدان مسابقه، چنین گروه انبوهی از ایمانداران را داریم که برای تماشای ما گرد آمده‌اند، بیایید هر آنچه را که سبب کندی یا عقب افتادن در این مسابقه می‌شود، از خود دور کنیم و با صبر و شکیبایی در این میدان به سوی هدف بدویم؛

^۲ و برای پیروزی در این مسابقه روحانی، به عیسی چشم بدوزیم که چنین ایمانی را در قلب ما ایجاد کرده و آن را کامل خواهد ساخت. زیرا او خود نیز در همین مسیر، صلیب، و خفت و خواری آن را تحمل کرد، چون می‌دانست در پی آن خوشی و شادی عظیمی نصیبش خواهد شد. به همین جهت، اکنون در جایگاه افتخار، یعنی در دست راست تخت خدا نشسته است.

با چشم دوختن به عیسی مسیح ترس در ما از بین می‌رود.

متی ۱۴: ۲۵-۳۱

^{۲۵} اما نزدیک ساعت چهار صبح عیسی، در حالی که روی آب راه می‌رفت، به آنها نزدیک شد.

^{۲۶} ایشان از ترس فریاد برآوردند، چون گمان کردند که روحی می‌بینند.

^{۲۷} اما عیسی بی‌درنگ ایشان را صدا زده، گفت: «نترسید، من هستم!»

^{۲۸} پطرس جواب داد: «ای سرورم، اگر حقیقتاً شما هستید، دستور فرمایید من هم روی آب راه بروم

و پیش شما بیایم.»

^{۲۹} عیسی فرمود: «بسیار خوب، بیا!» پطرس از قایق بیرون آمد و روی آب راه افتاده، به طرف

عیسی رفت.

^{۳۰} اما وقتی به اطراف نگاه کرد و موجهای بلند را دید به وحشت افتاد و شروع کرد به فرو رفتن

در آب. پس فریاد زد: «سرورم، مرا نجات دهید!»

^{۳۱} عیسی فوری دست خود را دراز کرد و او را از آب بیرون کشید و فرمود: «ای کم‌ایمان، چرا

شک کردی؟»

آیه ۳۰؛ وقتی پطرس دچار کم‌ایمانی نسبت به عیسی مسیح شد و موجهای بلند را دید، به وحشت افتاد و در آب فرو رفت. وقتی ما به چیزها یا وقایع هولناک اطرافمان می‌نگریم و توجهمان به وعده‌های الهی کم می‌شود، ترس بر ما غلبه می‌کند و بدین ترتیب، آرامش خود را از دست می‌دهیم.

بنابراین لازم است باطن و درون خود را با وعده‌هایی که در کلام خدا داده شده است، تغذیه و تقویت کنیم. در این صورت یک تکیه‌گاه محکم از کلام خدا خواهیم داشت.

من در پایان این موضوع، چند آیه از انجیل را آورده‌ام. آنها را بخوانید و درباره آنها عمیقاً فکر کنید. برخی از آنها را با تمام وجودتان بیاموزید. در موقع بروز حوادث ناگوار این آیات به شما قوت و قدرت می‌دهد.

۲. شما با مشکلات زیادی در اطرافتان روبرو خواهید شد.

یوحنا ۱۶: ۳۳

این چیزها را گفتم تا خیالتان آسوده باشد در این دنیا با مشکلات و زحمات فراوان روبرو خواهید شد؛ با این حال شجاع باشید، چون من بر دنیا پیروز شده‌ام. او بر همه سختی‌ها و همه مشکلات پیروز شده است و هیچ چیز برای او جدید نیست. عیسی مسیح می‌گوید ما با تکیه بر کلام او، به آرامش خواهیم رسید. ما ممکن است با مشکلاتی در این دنیا روبرو شویم ولی باید شادی و روحیه خود را حفظ کنیم. او با ماست، کسی که بر قدرتهای تاریکی غلبه کرده است.

۳. خداوند با ماست

مزامیر ۴۶: ۱-۷

^۱ خدا پناهگاه و قوت ماست! او مددکاری است که در سختی‌ها فوراً به کمک ما می‌شتابد.
^۲ بنابراین ما نخواهیم ترسید اگر چه زمین از جای بجنبد و کوهها به قعر دریا فرو ریزند.
^۳ دریا غرش نماید و کف برآرد و طغیانش کوهها را بلرزاند.
^۴ نهریست که شعبه هایش شادمانی به شهر خدا می‌آورد و خانه مقدس خدا را پر نشاط می‌سازد.
^۵ این شهر هرگز نابود نخواهد شد، زیرا خدا در آن ساکن است. پیش از آنکه اتفاقی رخ دهد خدا به یاری آن خواهد شتافت.
^۶ قومهای جهان از ترس فریاد بر می‌آورند؛ حکومت‌ها لرزانند؛ خدا ندا می‌دهد و دنیا مانند موم گداخته می‌شود.
^۷ خداوند قادرمتعال با ماست! خدای یعقوب پناهگاه ماست.

یک حقیقت شگفت‌آور: خدا پناهگاه ماست. بنابراین ما نباید از هر آنچه در اطرافمان

اتفاق می‌افتد، بترسیم.

مزامیر ۲۳: ۱-۶

^۱ خداوند شبان من است، محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.

^۲ در مرتع‌های سبز مرا می‌خواباند، به سوی آبهای آرام هدایت می‌کند.

^۳ و جان مرا تازه می‌سازد او بخاطر نام پرشکوه خود مرا به راه راست رهبری می‌کند.

^۴ حتی اگر از دره تاریکی مرگ نیز عبور کنم، نخواهم ترسید، زیرا تو ای شبان من با من هستی!

عصا و چوبدستی تو به من قوت قلب می‌بخشد.

^۵ در برابر چشمان دشمنانم سفره‌ای برای من می‌گسترانی، از من همچون مهمانی عزیز پذیرای

می‌کنی، و جامم را لبریز می‌سازی.

^۶ اطمینان دارم که در طول عمر خود، نیکویی و رحمت تو، ای خداوند، همراه من خواهد بود و

من تا ابد در خانه تو ساکن خواهم شد.

۴. به دستورات خداوند گوش فرا داده و نافرمانی نکنیم

تثنیه ۲۸: ۱۳-۱۴

^{۱۳} چنانچه فقط گوش فرا داده، دستورات خداوند، خدایتان را که امروز به شما می‌دهم اطاعت

کنید. او شما را برتر از دیگران خواهد ساخت.

^{۱۴} پس مواظب باشید که از قوانینی که به شما داده‌ام به هیچ وجه سرپیچی نکنید و هرگز

خدایان دیگر را عبادت و پیروی نمایید.

افسیسیان ۱: ۱۷-۲۲

^{۱۷} همچنین برای شما دعا می‌کنم واز خدا که پدر پر جلال خداوندمان عیسی مسیح است، در

خواست می‌کنم که به شما حکمت عطا نماید تا به طور روشن و کامل درک کنید که عیسی کیست

و چه فداکاریهایی در حق شما انجام داده است.

^{۱۸} دعا می‌کنم که چشمان باطن شما روشن شود تا بتوانید گوشه‌ای از برکاتی را که خدا برای آینده ما در نظر گرفته است ببینید، و به این حقیقت پی ببرید که ارثی که خدا برای مومنین تدارک دیده، چقدر با شکوه و غنی است.

^{۱۹ و ۲۰} همچنین دعا می‌کنم تا درک کنید که قدرت خدا برای کمک به مومنین چقدر عظیم است. این همان قدرتی است که مسیح را پس از مرگ، زنده کرد و او را در برترین مقام آسمانی، در دست راست خدا قرار داد.

^{۲۱} مقامی که برتر از منزلت هر پادشاه و رئیس و سلطان و رهبر این دنیاست. بلی، مقام او بسیار شکوه‌مندتر از هر مقام دیگری، چه در این دنیا و چه در دنیای آینده می‌باشد.

^{۲۲} خدا همه چیز را زیر پایهای مسیح قرار داد و او را مقرر کرد تا رئیس و سرپرست کلیسا باشد.

۵. عیسی مسیح ما را از مرگ، رهایی داده است

عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵

^{۱۴} از آنجا که این فرزندان خدا، انسان هستند و دارای گوشت و خون می‌باشند. او نیز گوشت و خون شد و به شکل انسان درآمد؛ زیرا فقط با انسان شدن می‌توانست جانش را در راه ما فدا کند و بمیرد و با مرگ خود، قدرت شیطان را نابود سازد. شیطانی که صاحب اختیار مرگ بود.

^{۱۵} تنها از این راه بود که می‌توانست آنانی را که در تمام عمرشان در وحشت مرگ به سر می‌بردند و اسیر ترس بودند رهایی دهد.

یکی از دوستانم بنام بیرگر به هند رفت تا در آنجا در مکانهای مختلف درباره عیسی مسیح موعظه کند. در یکی از گردهمایی‌ها بسیاری از مردم، شاهد قدرت خدا در نجات دادن آنها بودند.

قبل از اینکه او به آنجا برود، زنی درباره آمدن به آن کشور پیشگویی کرده بود.

دوستم زمانی که به هند آمد، زیاد درباره این موضوع فکر نکرده بود.

اما بعد از یک گردهمایی شگفت آور در یکی از شبها، کشیش و بیرگر، به خانه رفتند. در خارج از خانه آنها یک گروه از جوانان را دیدند که سنگ و چاقو در دست داشته و فریاد می زدند: « مرگ بر کشیش، مرگ بر مسیحیان »

کشیش به وحشت افتاده و گفت: « ما اکنون، گرفتار مشکل بزرگ و جدی شده ایم. »

سپس بیرگر، پیام پیشگویانه ای را که قبل از رفتن به هند، شنیده بود به یاد آورد

« وقتی دچار مشکل می شوید ، نام عیسی مسیح را به زبان بیاورید ! »

بیرگر اینگونه فرمان داد: « بنام عیسی مسیح، پراکنده شوید. »

ناگهان پسران شروع به فرار کردن نمودند !

آنها می گفتند: « اینجا ماندن، خطرناک است. »

آنها فرشته بزرگی را دیده بودند که از آسمان پایین آمده و بین آنها و بیرگر و کشیش ایستاده بود. فرشته، یک شمشیر در دست داشته بود.

از آن موقع به بعد، اطراف خانه کشیش کاملاً امن بود.

خدا بسیار عظیم است و شما را دوست دارد. شمایی که در ایران هستید، با رویدادهای نامطلوب و مشکلاتی در اطرافتان روبرو می شوید. شاید احساس تنهایی کنید و سپس ترس بر شما مسلط می شود.

ولی شما نباید بترسید.

خدا با شماست و اگر او با شما باشد، چه کسی می تواند به ضد شما باشد؟

در آخر می خواهم برخی آیات از کتاب مقدس را به شما معرفی کنم که می توانید آنها را مطالعه کرده و در آنها تعمق کنید.

کلامهایی که به شما کمک می کند تا در زندگی تان، بر ترس غلبه کنید.

رومیان ۸: ۳۱-۳۲

^{۳۱} پس در مقابل تمام این چیزهای عالی چه بگوئیم؟ اگر خدا با ماست چه کسی می تواند به

ضد ما باشد؟

^{۳۲} در جایی که خدا حتی فرزند خود را از ما دریغ نکرد بلکه او را فرستاد تا در راه همه‌ی ما

قربانی شود، آیا همه چیزها را به ما نخواهد بخشید؟

خروج ۱۴: ۱۳

ولی موسی جواب داد: « نترسید! بایستید و ببینید چگونه خداوند امروز شما را نجات می دهد.

این مصری ها را که حالا می بینید، از این پس دیگر هرگز نخواهید دید.

تثنیه ۱: ۲۱

من به قوم گفتم: « خداوند، خدایمان این سرزمین را به ما داده است. بروید و همچنانکه به ما امر

فرموده آن را تصرف کنید. نترسید و هراس به دلتان راه ندهید. »

تثنیه ۳۱: ۶

قوی و دلیر باشید. از ایشان نترسید خداوند، خدایتان با شما خواهد بود. او شما را تنها نخواهد

گذاشت و ترک نخواهد کرد.

یوشع ۱: ۹

آری، قوی و شجاع باش و ترس و واهمه را از خود دور کن و به یاد داشته باش. که هر جا

بروی من که خداوند، خدای تو هستم، با تو خواهم بود.

اشعیا ۴۱: ۱۰-۱۳

^{۱۰} نترس، چون من با تو هستم؛ نگران نشو، زیرا من خدای تو هستم. من تو را تقویت خواهم

کرد و یاری خواهم داد و تو را حمایت کرده، نجات خواهم بخشید.

^{۱۱} دشمنانت بر تو خمشگین هستند رسوا خواهند گردید.

^{۱۲} همه آنان از بین خواهند رفت و اثری از آنان باقی نخواهد ماند.

^{۱۳} من که خداوند، خدای تو هستم دست راستت را گرفته‌ام و می‌گویم نترس، زیرا تو را یاری خواهم داد.

اشیا ۴۳: ۱-۲

^۱ اما ای اسرائیل، خداوند که تو را آفریده است اینک چنین می‌فرماید: «نترس! زیرا من بهای آزادی تو را پرداخته‌ام. من تو را به نام خوانده‌ام. تو مال من هستی.

^۲ هنگامی که از آبهای عمیق بگذری من با تو خواهم بود. هنگامی که سیل مشکلات بر تو هجوم آورد، نخواهم گذاشت غرق شوی! هنگامی که از میان آتش ظلم و ستم عبور کنی، شعله‌هایش تو را نخواهد سوزاند.

رومیان ۸: ۱۵

پس همچون برده‌ها، رفتارمان آمیخته با ترس و لرز نباشد، بلکه مانند فرزندان خدا رفتار نماییم، فرزندانی که به عضویت خانواده خدا پذیرفته شده‌اند و خدا را پدر خود می‌خوانند.

فیلیپیان ۴: ۶-۷

^۶ برای هیچ چیز غصه نخورید؛ در عوض برای همه چیز دعا کنید و هر چه لازم دارید به خداوند بگویید و فراموش نکنید که برای جواب دعاها، از او تشکر نمایید.

^۷ اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره‌مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر دل شما که به عیسی ایمان آورده‌اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید.

دوم تیموتائوس ۱: ۷

زیرا آن روحی که خدا به ما داده است در ما ترس بوجود نمی‌آورد، بلکه ما را سرشار از محبت و قدرت می‌سازد و ما را یاری می‌دهد تا بتوانیم خود را تحت انضباط قرار دهیم.

عبرانیان ۱۳: ۵-۶

از پول دوستی بپرهیزید و به آنچه دارید قانع باشید، زیرا خدا فرموده است: «شما را هرگز تنها نخواهم گذاشت و ترک نخواهم کرد.»
بنابراین با اطمینان کامل و با جرأت تمام، می‌توانیم بگوییم. «خداوند گره‌گشا و یاور من است. پس، از انسان خاکی ترسی ندارم؛ او چه می‌تواند به من بکند؟»

اول یوحنا ۴: ۱۸

لازم نیست از کسی که ما را بطور کامل دوست دارد، بترسیم. محبت کامل خدا هرگونه ترس را در ما ریشه کن می‌سازد. اگر هنوز می‌ترسیم، علتش این است که هنوز کاملاً یقین نداریم که خدا حقیقتاً ما را دوست می‌دارد.

آزمون

۱. آیا ترس و ایمان به طور همزمان با هم امکان پذیر است؟ بله خیر
۲. چند بار فرشته خداوند، با جدعون، در قالب گفتاری مثبت سخن گفت؟
۳. جدعون قبل از اینکه تعداد سربازان را معین کند، چه تعداد سرباز را جمع کرده بود؟
۴. وقتی پطرس در قایق نشسته بود، عیسی مسیح به او چه گفت؟
۵. وقتی پطرس روی آب راه می‌رفت چرا در آب فرو رفت؟
۶. در کجای انجیل این آیه را می‌یابید: « خداوند شما را برتر از دیگران قرار خواهد داد »
۷. در کجای انجیل این آیه را می‌یابید: « من شما را هرگز رها نخواهم کرد ».

امیدوارم که در امتحانات موفق باشید.

این آخرین موضوع در بخش ۱ است. اگر به ۱۸ سوال پاسخ درست دهید و حداقل ۸۰ درصد جوابهایتان درست باشد، به شما مدرکی اعطاء خواهد شد. سپس می‌توانید بخش ۲ را مطالعه کنید. برای این منظور به یک رمز شخصی نیاز دارید که در صورت موفق شدن در بخش ۱ آن را برای شما خواهیم فرستاد.